



اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی تهران  
معاونت بررسی های اقتصادی

## پیامد مثبت کاهش قابل ملاحظه تعرفه های تجاری در جهان طی دو دهه گذشته



بر اساس گزارش اخیر صندوق بین المللی پول، تغییرات تراز تجاری دوجانبه طی دو دهه گذشته به شدت تحت تاثیر ترکیبی از عوامل اقتصاد کلان بوده و در مقابل تغییر نرخ تعرفه، اثر کمتری داشته است. با توجه به اینکه یکی از ویژگی های بارز تحول اقتصاد جهان طی سال های اخیر توسعه زنجیره های ارزش جهانی بوده است، افزایش شدید تعرفه ها، می تواند باعث تحمیل هزینه های بالا و بلندمدت اقتصادی، اثرات موجی بر دیگر بخش ها و آسیب بر اقتصاد جهانی گردد. نتایج این مطالعه نشان می دهد در بلندمدت، تغییرات زیاد و مستمر تعرفه ها می تواند ساختار تولید و سرمایه گذاری داخلی و بین المللی بنگاه ها را تغییر دهد. در بازه زمانی ۱۹۹۵ الی ۲۰۱۵، متوسط تعرفه های جهان از حدود ۴۶ درصد به ۳,۳ درصد کاهش یافته و در مقابل متوسط مشارکت در زنجیره ارزش جهانی از ۳۳ درصد به ۴۲ درصد رشد کرده است. در ادامه، توضیحات بیشتری در این خصوص ارائه می شود.



اخیراً تراز تجاری دوجانبه که در واقع معرف تفاوت صادرات و واردات میان دو کشور است، مورد بررسی دقیق تری قرار گرفته و برخی از سیاست‌گذاران از بزرگ بودن تراز تجاری و افزایش اندازه آن نگران هستند و گمان می‌کنند این اتفاق ناشی از اقدامات غیرآشکاری بوده که تجارت بین‌الملل را در معرض اختلال قرار داده است. اما سوال اصلی این است که آیا تمرکز بر ترازهای تجاری، کار درستی است؟

پاسخ کوتاه به این سوال، خیر است. مطالعه صندوق بین‌المللی پول در فصل چهارم گزارش چشم‌انداز اقتصاد جهان که در ۴ آوریل ۲۰۱۹ منتشر شد، نشان داده که تغییر تعرفه بین دو کشور با تراز تجاری مشخص، از مسیر تغییراتی که در ترازهای تجاری دوجانبه با سایر شرکای تجاری ایجاد می‌کند، خنثی می‌شود و در نهایت این اقدام تغییر تعرفه، اثر خیلی کم یا هیچ اثری بر کل تراز تجاری (مجموع همه ترازهای تجاری دوجانبه) خواهد داشت.

آنچه بیش از همه وضعیت تراز تجاری کشورها را متاثر می‌کند، تعرفه‌ها نیست بلکه شرایط کلان اقتصادی است. صندوق بین‌المللی پول در یک مطالعه با استفاده از داده‌های مربوط به ۶۳ کشور جهان در طول ۲۰ سال و برای ۳۴ بخش، محرک‌های تغییر در تراز تجاری دو جانبه را مشخص کرده است. یافته‌های این مطالعه نشان می‌دهد، تغییرات تراز تجاری دوجانبه طی دو دهه گذشته به شدت تحت تاثیر ترکیبی از عوامل اقتصاد کلان از جمله سیاست‌های مالی، سیکل‌های اعتباری، سیاست‌های نرخ ارز و تخصیص یارانه‌های زیاد به حوزه‌های تجارت‌پذیر بوده است و در مقابل تغییر نرخ تعرفه، اثر کمتری داشته است. البته باید توجه و دقت داشت که این موضوع به معنی عدم امکان آسیب دیدن تجارت از محل تعرفه‌ها نیست. با توجه به اینکه یکی از ویژگی‌های بارز تحول اقتصاد جهان طی سال‌های اخیر توسعه زنجیره‌های ارزش جهانی بوده است، و به صورت زنجیروار مراحل تولید کالاها در کشورهای گوناگون به هم پیوسته است، لذا افزایش شدید تعرفه‌ها، می‌تواند باعث تحمیل هزینه‌های بالا و بلندمدت اقتصادی، اثرات موجی بر دیگر بخش‌ها و آسیب بر اقتصاد جهانی گردد.

مطالعه اخیر صندوق بین‌المللی پول حاکی از این است که عوامل اقتصادی می‌تواند مواردی مانند سیاست مالی، تغییرات جمعیتی و تقاضای داخلی ضعیف به همراه سیاست‌های نرخ ارز و سیاست‌های سمت عرضه و تقاضا از جمله اعطای یارانه به بنگاه‌های دولتی یا بخش‌های صادراتی را نیز در بر بگیرد. در مقابل، تغییر در تعرفه‌های دوجانبه نقش کمتری در تغییر تراز تجاری دارد زیرا از قبل سطوح تعرفه در بسیاری از کشورها کم بوده و در واقع کاهش متقابل تعرفه‌ها توسط کشورها اثرات تراز تجاری دو جانبه را متعادل کرده است. به عنوان مثال؛ ۹۵ درصد از تغییر در تراز تجاری دو کشور آمریکا و چین در بازه زمانی ۱۹۹۵ تا ۲۰۱۵ ناشی از عوامل اقتصاد کلان و نه تعرفه‌ها، بوده است.

همان طور که قبلاً عنوان شد نباید از اثرات منفی افزایش تعرفه‌ها بر تجارت غافل شد. بر اساس گزارش صندوق بین‌المللی پول، در بلندمدت، تغییرات زیاد و مستمر تعرفه‌ها می‌تواند ساختار تولید و سرمایه‌گذاری داخلی و بین‌المللی بنگاه‌ها را تغییر دهد؛ به عنوان نمونه، متناسب با افزایش تعرفه‌ها به دلیل پیوستگی تولید کالاها در مسیر زنجیره ارزش جهانی، بهای کالاها و خدمات هم رشد کرده و گران‌تر می‌شوند.

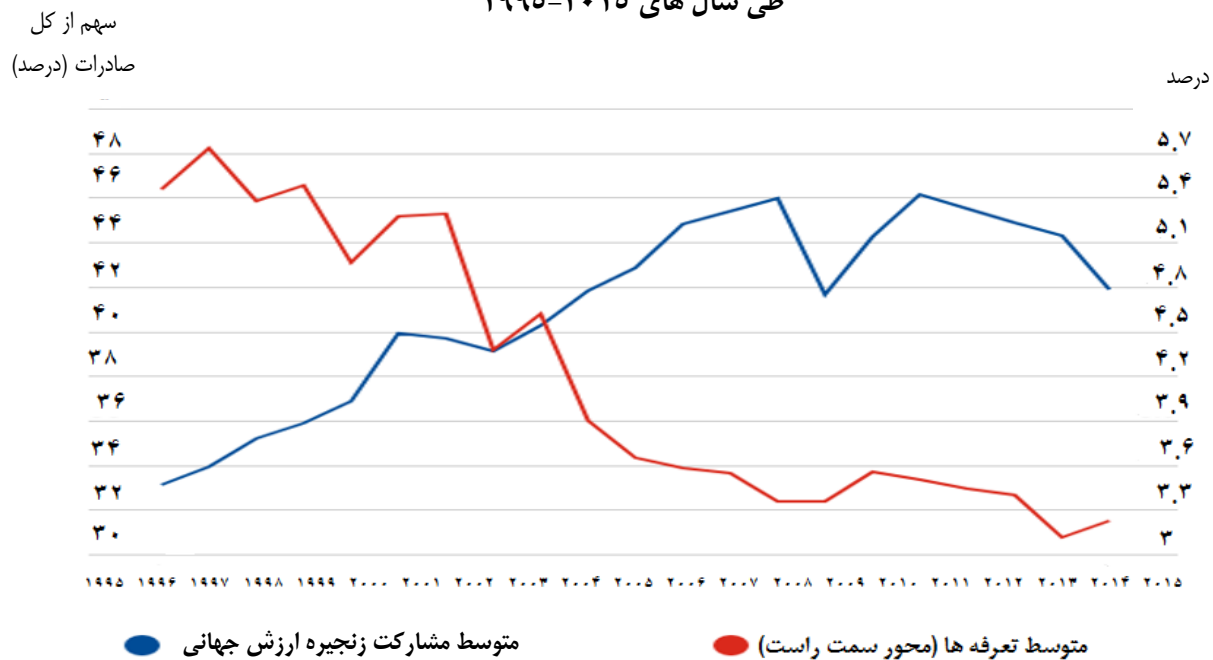


معاونت بررسی های اقتصادی

از اواسط دهه ۱۹۹۰ میلادی، کاهش معنادار هزینه‌های تجاری (از جمله تعرفه‌ها، هزینه‌های حمل و نقل و ارتباطات) با افزایش وسعت و پیچیدگی زنجیره‌های ارزش جهانی همراه بوده است. چنین رویدادی، فرصت اشتغال‌زایی را برای کشورها فراهم کرده و آنها را کارآمدتر ساخته است.

مشارکت بیشتر در زنجیره ارزش جهانی باعث افزایش صادرات می‌شود و بخشی از عواید صادراتی کشورها ناشی از مشارکت آنها در زنجیره ارزش جهانی است. همان‌طور که در نمودار ۱، نشان داده شده طی سالهای ۱۹۹۵ الی ۲۰۱۵ هم‌زمان با کاهش قابل توجه میانگین تعرفه‌های تجارت در جهان از حدود ۴۶ درصد به حدود ۳٫۳ درصد، تاثیر مشارکت در زنجیره ارزش جهانی در کل صادرات از ۳۳ درصد به ۴۲ درصد افزایش یافته است.

نمودار ۱- کاهش قابل ملاحظه نرخ تعرفه‌ها و افزایش مشارکت در زنجیره ارزش جهانی طی سال‌های ۱۹۹۵-۲۰۱۵



ماهیت یکپارچه سیستم فعلی تجارت جهانی نشان می‌دهد که افزایش قابل توجه در تعرفه‌ها علاوه بر اینکه بر کشورها تاثیر می‌گذارد، اثر موجی را نیز در کشور دیگر ایجاد می‌کند و به طور کلی وضعیت اقتصاد جهان را بر هم می‌زند. بر اساس یافته‌های صندوق بین‌المللی پول، افزایش نرخ تعرفه‌ها، نه تنها در کشورهایی که تعرفه بالا وضع کرده‌اند، بلکه در سایر کشورهای بالا و پایین زنجیره‌های ارزش نیز تاثیر منفی گذاشته و به ستانده، مشاغل و بهره‌وری آنها آسیب می‌رساند.

اکنون، برای اغلب کشورها، اثر منفی که افزایش یک واحد درصدی تعرفه‌های بخش صنعت ساخت (بدون در نظر گرفتن اثرات بازخورد)، بدنبال دارد به مراتب بیشتر از اثری است که در سال ۱۹۹۵ داشته است.



**معاونت بررسی های اقتصادی**

بنابر یافته های صندوق بین المللی پول در خصوص اثرات جانبی افزایش نرخ تعرفه، به نظر می رسد به کارگیری ابزار تعرفه به منظور حمایت از تولید داخلی، نه تنها کارساز نخواهد بود، بلکه در بلندمدت فرصت اشتغال زایی در اقتصادها را از بین خواهد برد و بنگاه ها را از زنجیره ارزش جهانی، جدا خواهد کرد.